

■ جناب ذاکریان، می‌خواهیم بدانیم اساساً «دیپلماسی شهری» چیست؟ و این مفهوم چگونه به وجود آمد؟

«دیپلماسی» ابزاری است برای برقراری رابطه میان دولت‌ها. به تعبیری، دیپلماسی فن اجرای سیاست خارجی یک دولت، در نظام بین‌الملل محسوب می‌شود. منتهی در تاریخ بویژه در پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم موضوع از یک دیپلماسی رسمی خارج شده و بازیگران دیگری برای ایجاد رابطه میان دولت‌ها، وارد عمل شده‌اند و حتی موضوع از این هم فراتر رفته و رابطه از «دولت به دولت» تبدیل به رابطه میان ملت‌ها شده است.

از این نوع دیپلماسی هاتحت عنوان «دیپلماسی جدید» یاد شود که از «دیپلماسی‌های خط یک» که همان دیپلماسی‌های رسمی است، متفاوت است و این دیپلماسی‌های جدید شامل دیپلماسی خط دو، دیپلماسی پارلمانی، دیپلماسی دیجیتالی، دیپلماسی شهری، دیپلماسی عمومی و... می‌شود. بنابراین «دیپلماسی شهری» یکی از این دیپلماسی‌های جدید است و خارج از مدار دولتی و حکومتی عمل می‌کند و به دنبال این است که به تقویت دوستی میان ملت‌ها بپردازد. نمونه آن را می‌توان در «خواهرخواندگی‌ها» یا برگزاری جشنواره‌ها و همایش‌ها دید.

■ همواره در نظریه‌های علوم سیاسی عنوان می‌شود که دولت مدرن پیوسته در حال بزرگ شدن و دولت پسامدرن پیوسته در حال کوچک شدن است، حال که مادر وضعیت پشامدرن قرار داریم و دولت (state) تقریباً در تمام شئون زندگی روزمره مانفوذ کرده، چقدر می‌توان به تحقق «دیپلماسی شهری» امید داشت و از آن صحبت کرد؟

باید گفت خیلی کم توانسته‌ایم دیپلماسی شهری را در جامعه خودمان محقق کنیم. متأسفانه در نظام سیاسی ما اکثر اشکال دیپلماسی، دولتی است و این خطا است. علت این خطا هم به ماهیت نظام سیاسی ما برمی‌گردد که به بخش خصوصی، روشنفکران و دانشگاهیان خود اعتقادی ندارد.

دیپلماسی شهری یعنی مدیران و نمایندگان شهری، شورای شهر، شهردار و... با مدیران و نمایندگان شهری، شورای شهر و شهرداری یک شهر در کشور دیگری وارد تعامل شوند؛ تا بدین شیوه روابط دوستانه میان دو شهر تبدیل به رابطه دوستانه در میان شهروندان و در نهایت به رابطه دوستانه میان ملت‌ها بدل شود.

لازمه این امر این است که نمایندگان، نمایندگان واقعی مردم باشند. در تمام جهان دیپلماسی حکومتی به تدریج در حال به حاشیه رفتن است. وقتی دولت به حوزه دیپلماسی شهری ورود پیدا می‌کند، قطعاً ناکارآمد می‌شود چرا که مخاطبین آن در خارج از کشور، عنوان می‌کنند که این همان حرف‌های دولت است که تکرار می‌شود.

■ برای مثال، نوام چامسکی در امریکا از یک «دیپلماسی خط دو» بهره می‌گیرد و حرفش متفاوت از سردمداران امریکا است، او با زبان دیگری سعی می‌کند جاذبه‌ای را نسبت به امریکا در میان مردم

دنیا، روشنفکران، استادان دانشگاه و دانشجویان سایر کشورها ایجاد کند. حال من از شما سؤال می‌کنم: آیا چنین امکانی در ایران هست؟

شهرداری‌ها، در ایران به عنوان زیرمجموعه وزارت کشور عمل می‌کنند و به جای اینکه از طریق دیدگاه‌ها و خواسته‌های خود در نظام بین‌الملل وارد عمل شوند، سعی می‌کنند خود را به وزارت امور خارجه نزدیک کنند، تا بتوانند روابط بین‌المللی ایجاد کنند. مادامی که شهرداری‌ها برای برقراری ارتباطات بین‌المللی، خود را به حکومت متصل می‌کنند نمی‌توانند، دیپلماسی شهری را محقق کرده و در فضای بین‌الملل برای شهر خود جاذبه ایجاد کنند؛ چون تقلیدکننده و صدای همان دیپلماسی رسمی هستند.

البته این بدان معنا نیست که دیپلماسی رسمی ماناموفق است؛ دیپلماسی رسمی ما از زمانی که ظریف سکان وزارت امور خارجه را به دست گرفته است، موفق عمل می‌کند ولی ایشان در قالب «دیپلماسی رسمی» عمل می‌کنند و مقصود مادر این مصاحبه «دیپلماسی شهری» است.

■ خواهرخواندگی‌ها که بیشتر ماهیتی فرهنگی دارند،



خیلی کم توانسته‌ایم دیپلماسی شهری را در جامعه خودمان محقق کنیم. متأسفانه در نظام سیاسی ما اکثر اشکال دیپلماسی، دولتی است و این خطا است. علت این خطا هم به ماهیت نظام سیاسی ما برمی‌گردد که به بخش خصوصی، روشنفکران و دانشگاهیان خود اعتقادی ندارد

چقدر می‌توانند مصداقی از دیپلماسی شهری به شمار آیند؟

دیپلماسی شهری، امری وسیع‌تر از «خواهرخواندگی» است. دیپلماسی شهری، در واقع تلاش برای نزدیکی شهروندان دو کشور در مسائل مدیریت شهری، ترانزیت شهری، زیست‌محیطی شهری، فرهنگ، تمدن و تاریخ شهری و... است و نتیجه آن می‌تواند کمک به دولت‌ها برای داشتن و بهره‌مندی از یک روابط خارجی مسالمت‌آمیز باشد. خواهرخواندگی جزئی از دیپلماسی شهری است که طی آن شهرهایی که معمولاً به هم نزدیکی و قرابت‌هایی مثلاً در شعر، ادبیات، هنر و... دارند، با هم وارد تعامل می‌شوند؛ به عنوان مثال فلورانس ایتالیا با اصفهان با هم پیوند خواهرخواندگی ایجاد کرده‌اند.

■ بنابراین می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که دیپلماسی شهری در جامعه ما صرفاً به خواهرخواندگی‌ها که ماهیتی فرهنگی و نه سیاسی دارند، تقلیل داده شده است؟

بله، اساساً، امور بین‌الملل در شهرداری‌ها، کار روابط عمومی را انجام می‌دهند و کار تخصصی بین‌المللی دیپلماسی را انجام نمی‌دهند؛ چرا که بسیاری از کسانی که در این جایگاه حضور دارند، متخصص دیپلماسی نیستند. برای مدیریت این موضوع نیاز به دانش آموختگان روابط بین‌الملل داریم. روابط بین‌الملل صرفاً به مباحث نظری محدود نمی‌شود و باید تکنیک‌های دیپلماسی را نیز افراد فرا گرفته باشند.

■ تحقق دیپلماسی شهری را باید از چه نهاد یا نهادهایی توقع کرد؛ جامعه مدنی؟ دولت؟ شهرداری‌ها؟

قطعاً از جامعه مدنی. جامعه مدنی باید فعال باشد و همکاری‌های بین‌المللی را مطالبه کند، دولت هم می‌تواند به جامعه مدنی کمک کند، اگر نمی‌تواند در راستای تحقق دیپلماسی شهری به جامعه مدنی کمکی کند، حداقل در این راه نباید مانع ایجاد کند.

■ منظور شما از جامعه مدنی چیست؟ وقتی از جامعه مدنی صحبت می‌کنیم، مقصود هم‌اندیشی نخبگان فکری، گروه‌های فکری، سازمان‌های مردم‌نهاد و... برای پیشرفت شهر است.

■ چقدر در جامعه ما نسبت به دیپلماسی شهری که خود به نوعی می‌تواند یکی از مؤلفه‌های «حقوق شهروندی» به شمار آید، خودآگاهی وجود دارد؟

خیلی کم، چون رسانه‌های ما، دانشگاه‌ها و روشنفکران ما به این موضوع ورود نکرده‌اند. بحث «دیپلماسی شهری» تنها در کلاس‌های درس رشته روابط بین‌الملل مطرح می‌شود. شاید یکی دو کنفرانس شکلی هم برگزار شده باشد اما اینکه از دانشمندان و عالمان کشور درباره موضوع «دیپلماسی شهری» نظری خواسته شود و آنان تجربیات بین‌المللی و یافته‌های خود را ارائه کنند، در این زمینه بسیار کم کار شده است. این مصاحبه را به فال نیک می‌گیرم که روزنامه ایران این موضوع را در دستور کار خود قرار داده است.